

دست داده و کم‌رنگ‌تر شده است. این تحول نه تنها نشان دهنده استحاله ماهیتی این سمن، از نهادهای مطالبه‌گر به نهادی کارگزار است، بلکه بازتابی از ساختار اقتدارگرایانه و مرکزگرای آن نیز محسوب می‌شود. این ساختار به شدت متأثر از شخصیت کاریزماتیک مدیرعامل بوده است. در نتیجه بدنه نیروی انسانی این سمن به‌مرور زمان نقشی شبیه به پیاده‌نظامی با ساختاری دسپوتیک پیدا کرده‌اند؛ جایی که شخصیت کاریزماتیک رأس، تصمیم‌گیرنده نهایی و تعیین‌کننده مسیر حرکت سازمان است. ▲▲

روایت بعدی درباره‌ی کانون کودکان کار کوشاست که گرچه در تعامل اش با دولت دچار استحاله نشده، اما در سایر سطوح تعاملی و در راستای ویژگی‌های کارکردی نتوانسته است تعاملی سازنده و شفاف در درون، همراه با نیازسنجی مشارکتی از پایین به بالا و سازوکار پایدار دریافت بازخورد از اجتماع هدف ایجاد کند. این سمن در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در واقع نسل دوم از سمن‌های فعال در حوزه‌ی کودک محسوب می‌شود. نسل اول، انجمن حمایت از حقوق کودکان است که آغاز فعالیت آن به سال ۱۳۷۳ برمی‌گشت. کانون کوشاییکی از انشعابات این انجمن بود، هر چند خود این کانون نیز بعداً دچار انشعابات شد که نسل سوم این‌گونه سمن‌ها را تشکیل دادند. کانون کوشا با هدف لوف کار کودک شکل گرفت. براساس نیازسنجی اولیه‌ی آن‌ها در منطقه‌ی پامنار تهران، آموزش و تحصیل کودکانی که در سن مدرسه قرار داشتند اما به‌جای تحصیل ناچار به کار بودند، اولویت نخست تعریف شد. از این‌رو اساس خدمت‌رسانی کانون، مطولف به آموزش این گروه از کودکان بود. خدمات آموزشی عمدتاً از سوی داوطلبان دارای تحصیلات دانشگاهی به گروه هدف، لایه‌لای ساعات کاری این کودکان در طول روز صورت می‌گرفت.

به تدریج و در ادامه‌ی مسیر فعالیت، مادران این کودکان نیز به‌عنوان گروه هدف دوم تعریف شدند. ارتباط با این گروه دوم گرچه ابتدا با آموزش در قالب گفت‌وگوهای موردی، سپس دورهمی شروع شد، اما به‌مرور کارآفرینی و امکان درآمدزایی برای این زنان که عمدتاً خانه‌دار بودند در دستور کار قرار گرفت. کارآفرینی رایج در این مرحله بیشتر در قالب خیاطی، فعالیت‌های آشپزخانه‌ای (مانند تولید مربا، ترشی، شیرینی جات) و آموزش آرایشگری بود. اما واقعیت این است که انتخاب این نوع مشاغل از ابتدا بر پایه‌ی نیازسنجی نبوده است. افزون بر این عرضه و فروش محصولات آن‌ها بر پایه‌ی بازارپایی اولیه‌ای صورت نگرفته است که بتواند مزیت رقابتی مشخصی را برای این محصولات و خدمات معلوم کرده باشد.

کانون کودکان کوشا را از یک منظر می‌توان نقطه‌ی مقابل جمعیت تولد دوباره قلمداد کرد. به این معنا که آن‌ها از همان روز نخست تاکنون، عدم وابستگی مالی و سیاستی به دولت را یکی از اصول بنیادی خود تعریف کرده‌اند و منبع اعتبار مالی و مادی فعالیت‌های آنان، کمک‌های مردمی بوده است. از همین‌رو در حالی که تولد دوباره در نزدیک‌ترین فاصله با قدرت /دولت می‌ایستند، کانون کوشا در دورترین فاصله قرار می‌گیرد. تفاوت دوم، افزون بر ویژگی استقلال از دولت، تن ندادن به فرآیند نتولیبرالیسم ایرانی بود؛ کانون کوشا بر خلاف تولد دوباره هرگز درگیر فرآیند استحاله و تبدیل به یک‌بنگاه اقتصادی نشد. در واقع خدمات کانون از روز نخست تاکنون همچنان به‌طور رایگان به گروه هدف ارائه می‌شود و همچنان کمک‌های مردمی مهم‌ترین منبع تأمین هزینه‌ی خدمات ارائه‌شده است.

یک مطالعه‌ی میدانی ارزشمند درباره‌ی سمن‌های فعال در حوزه‌ی کودک^{۱۱} نیز که طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۵ انجام شده و به پژوهش درباره‌ی سمن‌هایی شامل انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن دوستداران کودک پویش، انجمن یاری کودکان در معرض خطر، مؤسسه‌ی مهر و ماه، کانون کودکان کوشا، جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها، جمعیت امداد دانشجویی مردمی امام علی و بنیاد کودک پرداخته است، اطلاعات دست‌اولی را درباره‌ی این سمن‌ها و فعالیت‌هایشان ارائه می‌کند. جمع‌بندی این مطالعه نشان می‌دهد که به‌رغم گسترش بی‌وقف‌هی سمن‌ها در چند دهه‌ی گذشته، آن‌ها «در فضایی که با خصوصی‌سازی و عقب‌نشینی دولت‌ها از ارائه‌ی خدمات عمومی همراه بوده، به‌جای اینکه از موضع انتقادی در برابر این عقب‌نشینی مقاومت نشان دهند... در برخی مواقع حتی گاهی جایگزین سازمان‌های دولتی شدند... و این سازمان‌ها با ارائه‌ی خدمات اجتماعی محدود به عده‌ی اندکی از اقتدار فرودست جامعه، خیال دولت و مردم را جمع می‌کنند... با سرگرم شدن سمن‌ها در سطح فردی و نپرداختن به مبنایی و ریشه‌های مسئله، گویی که این سازمان‌ها از مسائل اصلی غافل شده‌اند. دقیقاً نقطه‌ی متناقض موضوع که فعالیت سمن‌ها را تبدیل به مسئله می‌کند، همین جاست. جایی که فعالیت غیرانتقادی سمن‌ها از سویی با ارائه‌ی خدماتی، سعی در ارتقای کیفیت زندگی محروماندگان جامعه دارد و از سوی دیگر، همین سعی‌شان، دولت‌ها را بیش‌ازپیش از مسائل گروه‌های فرودست جامعه فارغ کرده است.» بنا بر دیدگاه این مطالعه، فعالان این حوزه هرچه بیشتر از دغدغه‌های حقوقی و ساختاری فاصله گرفته‌اند و به سمت ارائه خدمات فردی گرایش پیدا کرده‌اند. سمن‌ها به‌جای پرداختن به آسیب‌های اجتماعی، تمرکز خود را بر آسیب‌دیدگان اجتماعی معطوف کرده‌اند. با این حال، شاید پرسش درست این باشد: آیا نمی‌توان با حفظ جایگاه مطالبه‌گرانه سمن‌ها از دولت در حوزه آسیب‌دیدگان اجتماعی، پرداختن به این گروه‌ها را به آینده موکول ساخت؟ و در عین ایفای نقشی اجتماع‌محور، خدمت‌رسانی به گروه هدف را وابسته به مطالبه‌گری از دولت نکرد؟ در واقع، مسئله اصلی این است که چگونه یک سمن می‌تواند بدون لغزیدن به جایگاه کارگزاری دولت، به نیازهای گروه هدف نیز بی‌توجه نماند. این

پرسشی جدید است که نیازمند پژوهشی نظام‌مند و دقیق در این حوزه است. مطالعه‌ی اکرامی و همکاران بر نکته‌ی مهم دیگری نیز دست می‌گذارد: کمبود اعتبار مالی برای فعالیت‌ها، سمن‌ها را به دولت نزدیک‌تر و وابسته‌تر می‌کند و هم‌زمان ترس از دست دادن حمایت‌های مادی و مالی دولت، آن‌ها را در بازخوانی انتقادی نسبت خود با دولت محافظه‌کارتر می‌کند. توصیف این مطالعه از رابطه میان گروهی از سمن‌ها با دولت و قدرت - که هم‌راستا با تجربیات میدانی ماست - در بردارنده‌ی همسویی دیگری نیز هست؛ سبک مدیریت در سمن‌ها، مالکیت‌طلبانه و غیردموکراتیک است و از سوی جامعه‌ی هدف و نیز اعضای سمن در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت معنا داری مشاهده نمی‌شود و در بسیاری موارد، مدیرعامل به‌تنهایی تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی است. نشست اخیر وزیر رفاه با فعالان اجتماعی و مدیران سمن‌ها و دغدغه‌های بیان‌شده‌ی آن‌ها را شاید بتوان در پرتو این تحلیل، آینه‌ای از وضعیت کنونی بیشتر سمن‌ها دانست. در این نشست که نمایندگان نهادهای متعدد غیردولتی در آن شرکت داشتند، از چالش‌های پیش روی فعالیت سمن‌ها سخن گفته شد. گرچه صداهایی اندک از چالش‌هایی متفاوت مانند مشکلات امنیتی فراروی فعالیت این نهادها یا مطالبه‌ای از جنس تغییر در سیاست‌ها و قوانین مربوط به حقوق شهروندی مهاجران هم شنیده شد، اما بلندترین و پربسامدترین صداها از آن سمن‌ها و نهادهای غیردولتی بود که از مشکلات مالی‌شان در راستای خدمت‌رسانی به گروه‌های هدف صحبت کردند و با اشاره به کاهش کمک خیریه در سال‌های اخیر از دولت می‌خواستند بودجه‌ی بیشتری به آن‌ها اختصاص دهد. چنین تمرکزی بر مشکلات مالی، نشان‌دهنده‌ی تغییری اساسی در نقش سمن‌هاست؛ تغییری که آن‌ها را از مطالبه‌گری اجتماعی به سمت پذیرش نقش کارگزاری برای دولت متمایل کرده است. در این نشست در واقع اکثریت با آنانی بود که خواهان برون‌سپاری کارهای دولت در سطوح مختلف، البته با تخصیص بودجه‌ی مربوطه، به سمن‌ها بودند.

▶ لزوم بازخوانی انتقادی مسیر ۳۰ ساله

به‌نظر می‌رسد آغاز شکوفایی و گسترش سمن‌ها به دوره‌ی خاتمی و عصر اصلاحات بازمی‌گردد؛ زمانی که نه‌تنها با افزایش کمی آن‌ها روبه‌رو هستیم بلکه گفتمان مطالبه‌گری از دولت‌و تأثیر بر سیاست‌گذاری به‌ویژه در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی، گرایش مسلط بر بخش قابل توجهی از سمن‌هاست. با این حال از عصر احمدی‌نژاد بدین سو این گرایش تسلط نسبی خود را از دست می‌دهد و گرایش به کارگزاری برای دولت جایگزین آن می‌شود. شاید از همین‌رو باشد که این تغییر در نقش سمن‌ها و نسبت‌شان با دولت، بر برخی فعالان اجتماعی را به تردید در درستی مسیر پیموده‌شده^{۱۲} واداشته است و برخی پژوهشگران این حوزه را دچار پرسشی کلیدی کرده است: آیا استحاله‌ی ماهیتی سمن‌ها طی دو دهه‌ی اخیر ناشی از سیاست‌زدایی و فرآیند نتولیبرالیسم^{۱۳} است؟

بازخوانی انتقادی ما از این مسیر تاریخی ۳۰ ساله، سویی دیگری هم دارد؛ فرآیند تصمیم‌گیری و نظام قدرت در سمن‌ها، چه آن‌ها که نسبتی نزدیک با منابع مالی و سیاست‌های دولت دارند و چه آن‌ها که آگاهانه در دورترین فاصله‌ی ممکن با دولت می‌ایستند، غیردموکراتیک، غیرشفاف و غیرپاسخگوست. به سخن دیگر، ساختار عمودی نظام برنامه‌ریزی در سمن که عمدتاً در یک یا چند نفر معدود متجلی است، تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی است و بدین ترتیب مشارکت فعالانه و معنامندی از سوی بدنه‌ی نیروی انسانی سمن در برنامه‌ریزی دیده نمی‌شود. چنین امری به‌نوبه‌ی خود پیامد دیگری نیز در پی دارد؛ وقتی بدنه‌ی میدانی سمن مشارکت چندانی در تصمیم‌گیری رأس هرم ندارد، طبیعتاً به‌عنوان خط مقدمی که بی‌واسطه و مستقیم با جامعه‌ی گروه هدف تعامل دارد و مدام در معرض نیازهای آنان قرار می‌گیرد، نمی‌تواند نتایج این نیازسنجی تجربی روزانه را در تصمیم‌گیری نهایی رأس سمن دخالت دهد و بدین ترتیب آرام آرام مهم‌ترین کارکرد کلیدی سمن از دست می‌رود: در حالی که هر سمن از روز نخست، گروه هدف معینی از جامعه را نمایندگی می‌کند و اساساً برای حل نیازهای آنان تأسیس می‌شود، اما در طول زمان گیرنده‌های حسسی سمن در ارتباط با جامعه کِرخ می‌شوند و به‌تدریج کارکرد نمایندگی آن بخش از جامعه را از دست می‌دهد. فاصله گرفتن سمن‌ها از نقش مطالبه‌گری و تأثیر بر سیاست‌گذاری دولت‌ها و گرایش به کارگزاری نتولیبرالی برای دولت در طول سده‌های گذشته، اگر چه جز حقیقت چیزی نیست اما تمام حقیقت هم نیست؛ نیمه‌ی دیگر حقیقت این است که این دو نقش (مطالبه‌گری از دولت و کارگزاری برای دولت) گرچه متضاد و نقطه‌ی مقابل هم هستند، اما هر دو بر بنیاد مفهومی مشترکی استوارند: دولت!

به سخن دیگر، تفاوت این دو دیدگاه در نزدیکی یا دوری آن از منبع قدرت است اما در این که گرانیگاه و استاندارد طلایی برای اندازه‌گیری فاصله، باید «دولت» باشد تا بتوان صفت نزدیکی یا دوری (مطالبه‌گری، کارگزاری) را بر آن اطلاق کرد؛ با یکدیگر توافق دارند. ازاین‌رو برای هر دوی آن‌ها این موضوع که مرجع نهایی این اندازه‌گیری باید «دولت» باشد، محل نزاع و تردید نیست. اما چرا این دوری‌و یکردم عمیقاً «دولت‌محور» هستند؟ دلیل آن پیش فرض مشترکی است که از تعریف «دولت» در هر دو دیدگاه سرچشمه می‌گیرد: دولت به‌دنبال خیر عمومی است و سمن‌ها به‌عنوان واسط میان جامعه و دولت باید در جهت تحقق این هدف بکوشند. به این ترتیب، اختلاف میان دو دیدگاه توضیح‌پذیر می‌شود؛ یک سمن با نزدیکی هرچه بیشتر به دولت و کارگزاری آن، می‌کوشد تا تحقق این امر را به پیش ببرد. در حالی که

پی‌نوشت‌ها:

1- Non-Governmental Organizations (NGOs)
2- Non-profit Organizations
3- Third-sector Organizations

۴- معادل انگلیسی این عبارت چندان مشخص نیست اما Civil-society یا Grassroots Organizations از جمله عبارتهای نزدیک در زبان انگلیسی هستند.

5- Charity
6- Narcotics Anonymous (NA)
۷- کتب تولید دوباره - دو جلدی - فروروش توفیقی- ۱۳۹۱، ۱۳۸۲

8- DIC
9- Shelter
10- Drugs Politics, Managing Disorder in the Islamic Republic of Iran/ mazyyar ghazi/ University of Oxford/ 2019

۱۱- محمدر اکرامی، جامعه‌شناسی و کودکان آسیب‌پذید: مطالعه انتقادی آن‌جی‌او‌ای شهر تهران، تهران: انتشارات خردسرخ.

۱۲- دل‌ام علی، «مختصر نگاهی به فرآیند فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی کودکان در ایران» آیا مسیر اردست پیونده‌ایم؟»

۱۳- سیاست‌زدایی از جامعه‌مندی: تجربه سازمان‌های غیردولتی در اصلاحات- فاطمه صادقی- ۱۳۸۵



متن کامل این مقاله را در وب‌سایت روزنامه‌هم‌میهن بخوانید:



مقاله‌های پیشنهادی

سه شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۷۴۵

www.hammihanonline.ir

میهن‌نویس

دیدگاه مقابل، در نسبت انتقادی خود با دولت بر حوزه‌هایی انگشت می‌گذارد که دولت که باید خیر عمومی را دنبال کند، از رسالت خود غفلت کرده، بنابراین تحقق خیر عمومی در این حوزه‌ها مغفول مانده است.

پس از این‌منظر، سمن‌ها باید در نقش مطالبه‌گر ظاهر شوند و از دولت بابت غفلت در این امر بازخواست کنند تا در نتیجه‌ی فشار این بازخواست، دولت دوباره به ریل «پیگیری خیر عمومی» برگردد و اصلاح شود. اما پرسش کلیدی این‌جاست؛ اگر خود سمن، خیر عمومی را نمایندگی نکند، چه؟ سمنی یا سمن‌هایی صلاحیت بازخواست از دولت و مطالبه‌گری را دارند که خود با سازوکاری مشارکتی و اجتماع‌محور در درون ساختار قدرت سمن از یک‌سو و از سوی دیگر در بیرون و در نسبت‌اش با جامعه، نیازهای گروه هدف را شناسایی کرده و در مشارکتی اجتماع‌محور، این داده‌ها از طریق خط مقدم فعالان میدانی به حلقه‌ی نهایی تصمیم‌گیرندگان سمن برسد، سپس در فرآیند یک برنامه‌ریزی مشارکتی و براساس بازخورد‌های میدانی دریافت‌شده و در طول اجرای برنامه لحاظ شود. در غیر این صورت، سمنی که در طول زمان گیرنده‌های عصبی متصل با اجتماعش دچار کِرختی شده و سپس از مدتی نا‌توان از نمایندگی نیازهای گروه هدف‌اش شده، نمی‌تواند حتی در مطالبه‌گری‌اش از دولت، نقش واسط اجتماع‌محورانه‌ی خود را ایفا کند، بنابراین خیر عمومی را نمایندگی نمی‌کند. از این‌رو، پیش و بیش از این که مبدأ آغازین بازخوانی انتقادی ما از نقش سمن‌ها در این سه دهه، مفهوم «دولت» و دوری یا نزدیکی به آن باشد؛ باید نقطه‌ی شروع‌ش از نظام مناسبات قدرت و فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درون ساختار سمن و نیز در بیرون از سمن، تعامل مشارکتی و اجتماع‌محور با جامعه‌ی گروه هدف باشد. تنها در پرتو این جابه‌جایی است که می‌توان «مطالبه‌گری اجتماع‌محور» را از نوع غیر اجتماع‌محور و غیردموکراتیک‌اش بازشناخت و آنگاه است که سمن با مطالبات اجتماع‌محور خود می‌تواند وارد یک گفت‌وگوی انتقادی با دولت شود. تنها در چنین چارچوبی، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به بازسازی جامعه‌ی مدنی یاری رسانده و نقش واقعی خود را به‌عنوان واسطه‌ای مستقل و نمایندگی‌ی نیازهای اجتماعی ایفا کنند.

فراخوان مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای)

شماره: **۲۲ ۸۷۴۳ ۰۰۰۱**

شرکت انتقال گازیان منطقه ۷ عملیات انتقال گاز

منطقه هفت عملیات انتقال گاز در نظر دارد (ارزیابی پوشش بخشی از خطوط لوله منطقه ۷ عملیات انتقال گاز) را به روش مناقصه عمومی و ارزیابی کیفی (یکپارچه) و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ۲۰۰۳۹۹۵۰۹۰۰۰۰۰۴۵ بین‌تامکاران واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه و کاربرگ استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد اقدام نمایند.

۱- نام و نشانی مناقصه گزاز: منطقه ۷ عملیات انتقال گاز

۲- موضوع مناقصه: ارزیابی پوشش بخشی از خطوط لوله منطقه ۷ عملیات انتقال گاز

۳- نوع و مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ ۴/۰۹۶۰۹۰۰ ریال مطابق آخرین

آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی

۴- برآورد کارفرما: ۱۶۳۰/۸۳۵/۸۱۳/۸۱ ریال

۵- محل دریافت و تحویل اسناد:

۵-۱) محل دریافت اسناد: از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(www.setadiran.ir)

۵-۲) مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ تا لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

م الف: ۷۴۰۶ شناسه آگهی: ۱۸۹۴۹۵۱

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، پلاک ۴۸، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، منطقه تهران-کل پستی ۱۵۶۱۷۳۳۳۴۴ شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، منطقه تهران



تشکیل کارگروه تالاب هامون

معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست از تشکیل اولین جلسه کارگروه ملی هماهنگی و مدیریت تالاب‌های هامون خبر داد. به گزارش ایسنا، احمد لاهیجان‌زاده درباره نحوه پیگیری وضعیت تالاب هامون در استان سیستان و بلوچستان توضیح داد و گفت: «در آخرین جلسه ستاد ملی هماهنگی و مدیریت تالاب‌ها مصوب شد تا کارگروهی در سطح ملی و استانی برای پیگیری وضعیت تالاب‌های هامون تشکیل شود. لازم است دستگاه‌های عضو در این کارگروه تمام پیشنهادات خود را ارائه دهند تا جهت طرح و تصویب در ستاد ملی مورد بررسی قرار گیرد.» او توضیح داد که در کنار این کارگروه یک کارگروه دیگر با محوریت وزارت خارجه برای تهیه نقشه جامع و هماهنگ با لحاظ همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و محیط‌زیستی و استفاده از تمام ابزارها و ظرفیت‌های بومی موجود با اولویت تأمین حقایق تالاب‌های هامون تشکیل شد که مسیر انجام این مصوبه نیز توسط وزارت خارجه در حال تهیه است.

روابط عمومی منطقه تهران

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۵۹۵۹۵۳ فاکس: ۰۲۱-۸۸۶۹۳۷۲ نام: ۱۴۵۶ دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۸۸۶۹۳۷۲

آدرس: تهران، خیابان قزوین، پلاک ۴۸، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، منطقه تهران-کل پستی ۱۵۶۱۷۳۳۳۴۴

سایت: www.setadiran.ir